اخبار

بدرود با مرد شریف عالم موسیقی

پیکر زنده‌یاد فرهنگ شریف صبح دیروز با حضور جمع کثیری از اهالی هنر از مقابل تالار وحدت تهران به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) تشییع شد. به گزارش فارس، پروین صالح همسر هوشنگ ظریف، استاد موسیقی ایران به نیابت از وی در این مراسم پیامی را به این شرح قرائت کرد: فرهنگ شریف یگانه بود و به مانند نامش، شریف زیست و شریف رفت. فقدان او غم بزرگی برای موسیقی ایران است، او در واقع فرهنگ بداهه‌نوازی موسیقی ایران بود. همچنین همسر فرهنگ شریف ضمن اشاره به روزهای پایانی زندگی این استاد موسیقی ایرانی گفت: مضراب‌های فرهنگ شریف تکرار نخواهد شد، من در این لحظات فقط می‌توانم از حسم سخن بگویم. من وقتی در کنار او بودم، همیشه او را به چشم فرهنگ شریف دیدم و همیشه سعی کردم شأن و جایگاه او را حفظ کنم. امیدوارم توانسته باشم مسؤولیت خود را به عنوان همسر به‌درستی انجام داده باشم. وی افزود: مضراب‌های عاشقانه شریف بر تمام دل‌ها می‌نشست و او با ساز خود با همه گفت‌وگو می‌کرد. من نمی‌خواهم به نبودن فرهنگ شریف عادت کنم. او به همراه دیگر بزرگان موسیقی ایران، دوران طلایی موسیقی ایران را ساخت و به همین واسطه، همیشه کنار ما باقی خواهد ماند. در این مراسم اعلام شد که مراسم ترحیم زنده‌یاد فرهنگ شریف روز سه‌شنبه ۲۳ شهریورماه در مسجد جامع شهر غرب تهران برگزار خواهد شد.

■■■

به مناسبت دهه ولایت

سری جدید «شیدایی» روی آنتن شبکه ۲ می‌رود

تهیه‌کننده ویژه‌برنامه «شیدایی» گفت: سری جدید شیدایی ویژه دهه ولایت با آیتم‌های جدید و تغییرات اساسی نسبت به سری‌های قبلی، از روز یکشنبه ۲۱ شهریور روی آنتن شبکه ۲ سیما می‌رود. به گزارش فارس، محمد نبهان با اشاره به پخش سری جدید این برنامه از شبکه ۲ سیما به مناسبت فرا رسیدن اعیاد قربان و غدیر و دهه ولایت اظهار کرد: سعی می‌کنیم به مجموعه خانواده از نگاه دین اسلام و الگوهایی در این زمینه بپردازیم به این نحو که هر شب از برنامه دارای یک موضوع و اسم شاخص خواهد بود و به تناسب نزدیکی به اعیاد قربان و غدیر، این موضوعات و اسامی تغییر می‌کنند. وی ادامه داد: به عنوان مثال در شب‌های عید قربان به این مساله می‌پردازیم که چه عنصری در زندگی‌های امروز باید فدای مسائل اولویت‌دار و مهم‌تر شوند تا بتوانیم زندگی سالم‌تر و رو به سعادتی داشته باشیم. ویژه‌برنامه «شیدایی» از یکشنبه‌شب ۲۱ شهریورماه هر شب بعد از گفت‌وگوی خبری روی آنتن شبکه ۲ می‌رود.

■■■

انتشار قطعه موسیقی «حج ناتمام»

قطعه «حج ناتمام» با صدای حسن رضایی همزمان با ایام شهادت شهدای منا منتشر شد و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. به گزارش فارس، قطعه «حج ناتمام» با خوانندگی حسن رضایی، ترانه‌سرایی حسین صیامی و تنظیم احسان غلام‌نژاد درباره شهدای منا منتشر شد. بنابر گفته خواننده «حج ناتمام»، این قطعه به صورت احساسی و حماسی تنظیم شده که جنایات آل‌سعود در فاجعه منا و دیگر نقاط جهان را به تصویر کشیده است.

■■■

ابوالفضل جلیلی با «مسیر معکوس» می‌آید

ابوالفضل جلیلی با اشاره به اینکه به‌رغم همه محدودیت‌ها سعی می‌کند فیلم «مسیر معکوس» را بزودی کلید بزند، گفت: ان‌شاءالله با رسیدن به نسخه نهایی فیلمنامه، فیلمبرداری را آغاز می‌کنم و فکر می‌کنم این فیلم هم بتواند به عنوان یک آسیب‌شناسی درست از زمانه خود مورد توجه قرار گیرد. به گزارش «نسیم آنلاین»، ابوالفضل جلیلی، نویسنده و کارگردان سینما در این‌باره گفت: من هیچ‌گاه دنبال حمایت‌های دولتی نبوده‌ام که اگر جز این بود در همه این سال‌ها این همه فیلمم پشت خط اکران نمی‌ماند. جلیلی درباره مضمون فیلم «مسیر معکوس» اظهار داشت: این فیلم با رویکرد بررسی مسائل نوجوانان و البته این بررسی در بستر دوره معاصر روی می‌دهد، یعنی تلاش داشته‌ام به بررسی مشکلات نوجوانان روزگار معاصر بپردازم و اینکه چقدر تفاوت است میان نگرش نوجوانان این روزگار با دهه‌های گذشته.

درباره فیلم‌های ساخته شده سینمایی در ارتباط با سینما

رخ به رخ با سینما

مرتضی اسماعیل‌دوست: روز ملی سینما فرصتی است برای نظر دوختن به قاب دلنشین خاطراتی که با سینما برای‌مان جاودانه شد. با آن رشد کردیم، بی‌قرار تصاویر شدیم و دل به ستاره‌ها از پشت پرده نقره‌ای و از فاصله میان خیال‌پردازی تا واقعیت‌نمایی سپردیم. سینمایی که می‌تواند بهانه‌ای برای نفس کشیدن در جهانی تهی از آرمان و عشق باشد یا چنان حال پراکنده‌ای بسازد که همین ذرات معلق نفس‌های‌مان را هم به دورترین نقطه زیست بکشاند و انتظارهای‌مان را برای تصویری ناب از زندگی به تاراج برد، مانند سکانسی از فیلم «ابر و آفتاب» که هر چقدر گروه فیلمسازی منتظر قدوم آفتاب برای انجام فیلمبرداری می‌شوند، جز ابرهای تیره پاسخی نمی‌یابند! حال به بهانه روز گرانقدر سینما فرصتی است تا رخ به رخ شویم با سینما برای سینما و فیلم‌هایی که در ارتباط با موضوع سینما در ایران ساخته شدند.

■ **فیلم‌هایی با محوریت سینما**

حاجی آقا در برابر پدیده‌ای چون سینما مقاومت می‌کند و اجازه فعالیت به دخترش را نمی‌دهد اما تقدیر چنان بازی وارونه‌ای برایش می‌سازد که در نهایت حاجی آقا در دام فیلم کارگردان گرفتار می‌آید! فیلم «حاجی آقا آکتور سینما» که در سال ۱۳۱۲ به اکران درآمد، اولین آینه‌ای است که سینما را در برابر سینما قرار داد. فیلمی صامت که با استفاده از ابزار تکنولوژیک سینما پُلی برای نقد جریان ورود مدرنیته به حریم سنت‌گرای این سرزمین ساخت. پس از آن سینمای ایران سال‌ها در چنگال جریانی مغفول از توجه به آثاری با ماهیت ایرانی ماند و انواع آثار فرنگی و بیگانه با ماهیت این سرزمین به دار تماشا درآمدند. آثاری همچون «صمد آرتیست می‌شود» که به سودای نمایش پشت پرده کثیف سینمای پیش از انقلاب خود به مبتذل‌ترین شکل ممکن پرداخت! در سینمای پس از انقلاب فیلم «میکس» داریوش مهرجویی بود که در سال ۱۳۷۸ با دستمایه قرار دادن معضلات رساندن فیلمی به جشنواره فجر، مخاطب را به جهان پشت دوربین برد. مهرجویی که در بخشی از فیلم «میهمان مامان» نیز با نمایش زندگی مفلوک یک آپاراتچی قدیمی سینما ادای دینی به هنر هفتم کرده بود، در فیلم «میکس» به سطحی‌ترین شکل ممکن به نمایش ایده‌اش دست زد. اما «کلاس هنرپیشگی» علیرضا داوودنژاد با نزدیک کردن الگوی زندگی به جهان فیلم در صدد ایجاد تجربه‌ای از هم‌کیشی واقعیت و سینما بود و دوربین چنان نقشی نزدیک میان حقیقت و بازنمایی حقیقت یافت که گاه مرزها در هم تنیده می‌شد. فیلم دیگری که در سال‌های پس از انقلاب، موضوع سینما را به شکلی محوری در قالب داستانی درآورد، فیلم «گلچهره» وحید موسائیان بود که مکان داستانی‌اش در کابل می‌گذشت و در صدد بازآفرینی «سینما پارادیزو»ی به سبک افغانی- ایرانی بود!

■ **فیلم‌هایی درباره حاشیه سینما**

بسیاری از آثار سینمایی مرتبط با سینما را آثاری دربر گرفتند که به دنبال ارائه درون‌مایه‌ای از ملودرام‌های اجتماعی با بستری از شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و جهانی سینمایی بودند. چنانکه همین دسته از فیلم‌ها را می‌توان به شاخه‌هایی فرعی تقسیم کرد و از مناظری گوناگون به زوایای پرداخت آنها نگریست. در این میان برخی فیلم‌ها از طریق وجود کاراکتری متعلق به حوزه سینما خواستند ضمن اینکه گوشه چشمی به معضلات اهالی این صنف ارائه می‌دهند، به ارائه نسبتی که این شخصیت‌های هنری برای برقراری ارتباط با جهان پیرامون خود دارند، بپردازند که نمونه‌هایی از آنها فیلم «بانوی اردیبهشت» ساخته رخشان بنی‌اعتماد بوده که درباره کاراکتر فروغ؛ کارگردانی است که از همسرش جدا شده و با پسرش دچار خلأ ارتباطی شده است. فیلم اگر چه زبانی شاعرانه و روایتی مستندگونه انتخاب کرده است اما درصدد نمایاندن ارتباط میان شمایل مادرانه و جهان هنرمندانه است. فیلم «سینما سینماست» ساخته سیدضیاءالدین دری محصول سال ۱۳۷۶ هم به مساله سوءظن به بازیگری در سینما پرداخته و حکایتی از اظهار علاقه دختری بازیگر به یک کارگردان است. فیلم «ساحره» ساخته داوود میرباقری هم که با برداشتی از داستان «عروسک پشت پرده» صادق هدایت ساخته شده درباره ارتباط مردی آشفته احوال با یک بازیگر جوان تئاتری است. بهمن فرمان‌آرا اما پس از بازگشت به ایران در دوران اصلاحات با فیلم «بوی کافور عطر یاس» نقبی به ارتباط واقعیت درونی و بیرونی در جهان فیلم زده و داستان کارگردانی را روایت می‌کند که سفارش فیلمسازی برای ساخت اثری درباره مرگ با برگزاری مراسم مرگ خودش توامان می‌شود! فیلم‌هایی همچون «ساکن طبقه وسط»، «سلام سینما»، «ناصرالدین شاه آکتور سینما» و آثار جست‌وجوگرایانه کیارستمی درباره ارتباط زندگی و سینما و مرگ در زلزله رودبار با نام‌های «زیر درختان زیتون» و «زندگی و دیگر هیچ» و نیز فیلم «کلوزآپ» این فیلمساز که درباره وسوسه‌های بازیگری و شهرت است، از جمله آثار دیگر ساخته شده درباره سینما و حواشی آن است.

■ **به دنبال یک قندون!**

یکی از مهم‌ترین فیلم‌های ساخته شده درباره مسائل و معضلات پشت پرده سینما را در سال‌های اخیر علی ملاقلی‌پور با نام «قندون جهیزیه» ساخته که با توجه به نگاه کمیکی که فیلم نسبت به موقعیت‌های زندگی و سینما دارد بسیار مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. البته همین میزان نمایان سازی حقیقت از احوال سینما به گفته فیلمساز به مذاق مدیران سینمایی خوش نیامد و این فیلم از جشنواره فجر آن سال کنار گذاشته شد! اما یکی از مشهورترین فیلم‌های ساخته‌شده درباره سینما و ارتباطش با زندگی را داریوش فرهنگ در دهه ۶۰ شمسی با فیلم «دو فیلم با یک بلیت» ساخت که در اکران موفق بود و بارها به پخش تلویزیونی درآمد. داستانی از سودای هنرپیشه شدن جوانی دوره‌گرد که برق سینما بدجوری او را می‌گیرد! آثار دیگر ساخته شده درباره سینما را فریدون جیرانی با سه‌گانه‌اش رقم زد؛ «ستاره می‌شود»، «ستاره است» و «ستاره بود»، فیلم‌هایی ساخته شده در پرداخت مستقیم میان آدم‌ها و سینما بود؛ دختری در آرزوی ستاره شدن، بازیگری به دنبال نقشی متفاوت و ستارگانی فراموش شده که هر کدام در قالب داستانی می‌خواهند به وجهی از وجوه ناملایم سینما در زندگی انسان اشاراتی داشته‌باشند.

■ **ادای دین به سینما**

برخی آثار سینمایی ایرانی و غیرایرانی در سکانسی، نمایی و حتی نمایش قطعه‌ای از جهان مورد علاقه فیلمسازشان می‌خواهند ادای دین به اثر یا آثار خاصی کنند و در میان آثار تولیدی ما هم چنین اتفاقی رخ داده است. «قاعده بازی» ساخته فیلمساز متفکر، احمدرضا معتمدی ساخته شده به سال ۱۳۸۵ به وفور از این نوع ادای دین یا بهتر است بگوییم شوخی با آثار مطرح جهان سینما بهره برده است و این نقیضه‌سازی از فیلم صامت «رزم ناو پوتمکین» سرگئی آیزنشتاین تا فیلم فلسفی و تخیلی کوبریک با نام «ادیسه فضایی ۲۰۰۱» صورت یافته است. همچنین ادای دین به سینما در آثار ایرانی با فیلم «این جا بدون من» و علاقه همراه با تخیل کاراکتر «احسان» نسبت به مقوله تصویر نمایان شده است.

یادداشت

به بهانه روز ملی سینما

چند نکته درباره سفارش و فیلم سفارشی

حجت‌الاسلام نصرالله پژمان‌فر*: شاید روز ملی سینما بهانه خوبی باشد تا به این هنر مهم از زاویه دیگری نگریسته شود. زاویه‌ای مهم اما مغفول که به نظر می‌رسد اگرچه بحث‌هایی درباره آن صورت گرفته اما هیچ‌گاه به صورت اساسی جایگاه خود را نیافته است. همه می‌دانیم که بخش عمده بودجه سینما توسط دولت و نهادهای حاکمیتی تامین می‌شود. از سوی دیگر ارائه مجوزها نیز دولتی است و امکان پخش برای فیلم‌ها نیز بدون سینماهای حاکمیتی بسیار ناقص خواهد بود. این بدان مفهوم است که این چرخه عمدتا با پول مردم به گردش درمی‌آید. حال سوال اینجاست که با این شکل، این سینما تا چه میزان با مردم مرتبط است و ما تا چه میزان مسائل اساسی خودمان را روی پرده نقره‌ای مشاهده می‌کنیم؟ متاسفانه چیزی که امروز وجود دارد فیلم‌های کاملا «شخصی» سازندگان و بعضا بی‌ارتباط کامل با منافع کشور است، درصورتی که وقتی هزینه‌های تولید و اکران و بسترهای تولید و دیده شدن یک فیلم با بودجه عمومی مهیا می‌شود، سرمایه‌گذاران باید نقش پررنگ‌تری در این میان ایفا کنند. اینجاست که جلوگیری از تولید محصول مغایر با منافع مردم و تقویت تولید محصول همراستا با منافع مردم و مسائل کشور معنا پیدا می‌کند و این معنا با «سفارش» امکانپذیر است. به این شکل است که متولیان سینمایی باید از شکل قلک و سفارش‌پذیر صرف، تبدیل به سفارش‌دهنده فعال شوند؛ چیزی که الان ما چه در حوزه سینما و چه حتی تلویزیون و دستگاه‌های دیگر فرهنگی تقریبا مشاهده نمی‌کنیم. طبعا «سفارش» دادن به معنای مجبور کردن هنرمند به کاری که مایل به انجام آن نیست، نبوده بلکه ایفای نقش ظریف و بسیار پیچیده مدیریت فرهنگی است که بتواند با هنرمند طوری تعامل کند تا دریچه‌های دیگری را پیش چشم او بگشاید و اساسا به نظر نگارنده معنای سفارش درست همین است. گاهی این شکل رفتار، با مرعوب شدن مدیر یا سختگیری‌های بی‌مورد اشتباه می‌شود که هر دوی اینها ناکارآمد است. متاسفانه گاهی از سوی برخی مدیران سینمایی مطالبی عنوان می‌شود مبنی بر اینکه نباید به هنرمند سفارش داد یا گاهی برخی هنرمندان بیان می‌کنند که کار سفارشی نمی‌کنند درصورتی که گویی «سفارش» به معنای «تحمیل» و «محدودیت» برداشت شده که این غلط است. در همه جای دنیا سرمایه‌گذار، سفارش دهنده اصلی در فرم و محتوا است و این قاعده پذیرفته‌شده‌ای است که اگر جایی برای تولید یک محصول هزینه می‌کند طبعا براساس هدفی این کار را انجام داده و اگر آن هدف محقق نشود هزینه کردن این مبلغ نقض غرض محسوب می‌شود. البته روی دیگر سکه با این فضا تناقضات جدی دارد. وقتی به مجموعه فیلم‌های تولید شده(فیلم‌هایی که نیم‌نگاهی به جشنواره‌ها دارند) نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که اتفاقا این فیلم‌ها دقیقا المان‌های مورد توجه جشنواره‌ها را رعایت می‌کنند تا بتوانند نظر مساعد آنها را جلب کنند یا حتی خود دست‌اندرکاران این جشنواره‌ها اصلاحیه‌هایی برای برخی فیلم‌ها عنوان می‌کنند و آن را به فیلمساز اعلام می‌کنند که در این صورت فیلم شانس حضور در فلان جشنواره را پیدا خواهد کرد. اینها همه به این معناست که به هر حال «سفارش» در سینما وجود دارد اما این سفارش باید در راستا منافع مردم باشد نه اینکه با وجود این فضا مدیر سینمایی کشور اعلام کند به سفارش اعتقادی ندارد که به نظر می‌رسد این مساله ناشی از یک برداشت سطحی از فرهنگ و تولید محصول فرهنگی است. نگارنده معتقد است راه شکوفا شدن سینما، حرکت در جهت منافع کشور است و این مهم انجام نمی‌شود مگر اینکه مدیران فرهنگی و دست‌اندرکاران سینمای کشور حضور فعال‌تر و موثرتری در این عرصه داشته باشند.

***رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس**

بازتاب

در میزگرد نقد سینمای اجتماعی در «هفت» مطرح شد

قطبی‌زاده: در «فروشنده» واقعه جای واقعیت را می‌گیرد

برنامه سینمایی «هفت»، بامداد شنبه ۲۰ شهریورماه با موضوع بررسی سینمای اجتماعی ایران و با نقد فیلم‌های روی پرده «لانتوری» و «فروشنده» روی آنتن شبکه ۳ سیما رفت. به گزارش «وطن امروز»، «هفت» در بخش انتهایی خود با میزگردی انتقادی سراغ فیلم‌های اجتماعی شاخص در سینمای ایران رفت.

■ **فراستی: سینمای اجتماعی یک پز روشنفکرانه است**

فراستی در ابتدای این میزگرد بیان داشت: فیلمساز اجتماعی و ژانری به نام سینمای اجتماعی را نه من می‌شناسم و نه آنقدر اساسی است. خود به خود ارزشمند نیست و می‌توان پشت آن پنهان شد. سینمای اجتماعی امروز تبدیل به یک پز روشنفکرانه شده که می‌توان از مسائل حرف زد اما در فیلم چیزی وجود ندارد و مدام ما را به جامعه ارجاع می‌دهد. این نیست که اگر در جامعه مساله طلاق، اعتیاد و... وجود دارد و ما به آن نیشی زدیم یعنی شجاعیم! وی افزود: در این دست فیلم‌ها به بهانه اجتماعی بودن قهرمان نداریم. رویداد جدی نداریم. اگر جامعه این چیزی است که شما می‌گویید و من نمی‌فهمم، چرا آن را نمی‌سازید؟ شما قادر نیستید ۲ خیابان از جامعه خود را بسازید بعد ادعای اجتماعی بودن دارید!

■ **قطبی‌زاده: «لانتوری» در تدوین ساخته شده است**

میز نقد برنامه «هفت» در ادامه با ورود به فیلم‌های اجتماعی روز سینما به نقد فیلم «لانتوری» و «فروشنده» پرداخت. قطبی‌زاده در نقد فیلم «لانتوری» گفت: زمانی در سینما هست که یک حرف ساده را سخت جلوه می‌دهید. «لانتوری» به نظرم از این جنس پیچیده وانمودکردن‌ها دارد. در این فیلم با تصور واژگونه و ویران از جامعه طرف هستیم که این تصویر تلخ در این فیلم درنیامده است. این منتقد افزود: «لانتوری» به نظرم از فیلم‌هایی است که بعد از فیلمبرداری ساخته شده است و اساسا با راش‌های زیادی در تدوین تولید شده است. فیلم به جای تاثیرگذاری، مرعوب‌کننده است و در بخش‌های مستندگونه‌اش، تیپ‌های اجتماعی را به منفورترین شکل ممکن به تصویر کشیده و عیان است. وی در ادامه خاطرنشان کرد: اساسا «لانتوری» با این برچسب‌های «دلواپس» و... فیلم تاریخ مصرف‌داری است و این اقبال عمومی راجع به این دو فیلم (لانتوری و فروشنده) به نظرم جدای اینکه ناشی از اقبال مردم به سینما باشد، به چیز دیگری مربوط است.

■ **مسائل فرامتن علت فروش بالای «لانتوری»**

قطبی‌زاده با بیان اینکه فروش بالای این فیلم دوپینگی است، گفت: پرونده اسیدپاشی، مساله فرامتن فیلم توقیف شده این فیلمساز و... که مسائل خاص وضعیت کنونی سینمای ایران است امتیاز کاذبی برای این فیلمساز ایجاد کرده است و این آوانس اوست. منِ تماشاگر اسیر فرم فیلم، آزار می‌بینم و فیلمساز مرا شکنجه می‌دهد.

■ **قطبی‌زاده: در «فروشنده» واقعه جای واقعیت را می‌گیرد/ این فیلم اجتماعی نیست**

سعید قطبی‌زاده در ادامه برنامه سراغ فیلم پرفروش این روزها یعنی «فروشنده» رفت و در نقد فیلم فرهادی گفت: اساسا فیلم «فروشنده» فیلمی اجتماعی نیست و اساسا در این دسته‌بندی نمی‌گنجد. به قولی در فیلم‌های فرهادی، واقعه است که جای واقعیت را می‌گیرد. یعنی چه؟ یعنی آنقدر با واقعه درگیر می‌شود و ور می‌رود که اساسا در دام آن اسیر می‌شود. وی ادامه داد: فرد متجاوز جوراب، سوئیچ ماشین، موبایل و پولش را جا می‌گذارد اما کارت ماشین یا کارت ملی‌اش را جا نمی‌گذارد؟ چرا؟ چون در این صورت تصویر او که یک پیرمرد است لو می‌رفت و ما در انتهای فیلم غافلگیر نمی‌شدیم یا اینکه چرا با سوئیچ زاپاس سراغ وانتش نمی‌آید تا ببرد؟ همه اینها در فیلمنامه بر پایه واقعه ساخته شده توسط فیلمساز است.

■ **یک جوراب تنها موتیف مشترک فیلم «فروشنده» و نمایش آرتور میلر!**

قطبی‌زاده در پایان گفت: به هر حال امروز جو به گونه‌ای است که فیلم مهمی به اسم «فروشنده» که ۲ جایزه مهم هم در سطح جهانی برای ایران آورده و در زمانی که دارد می‌فروشد ما در تلویزیون در این مدت کم باید نقد کنیم، سخت است اما باید توجه کرد که نباید ساده‌لوحانه با آن روبه‌رو شد. من جز یک جوراب موتیف مشترکی بین فیلمنامه «فروشنده» و نمایش «مرگ فروشنده» آرتور میلر ندیدم! در ادامه مسعود فراستی در نقد خود بر فیلم «فروشنده» بیان داشت: اساسا «فروشنده» نان نسبی‌گرایی افراطی‌اش را می‌خورد. با وقت کمی که هست مجبورم تلگرافی نقد کنم. «فروشنده» حتی قبل از فیلم بد است و هنوز شکل نگرفته است. وی افزود: کارگردان دوست دارد جنجال کند و برای فیلم طرفی ببندد. و الا اساسا تعمیم دادن فیلم شعاری است. مگر می‌شود این موقعیت را تعمیم داد؟ در ۵ دقیقه یک پیرمرد با یک سیلی می‌میرد؟ فراستی با طرح این سوال که مساله فیلم چیست؟ ادامه داد: یک جمله از ترانه علیدوستی در فیلم است که می‌گوید «من باید می‌مردم!» که این دیالوگ به قدری تند است که انگار واقعا تجاوز شده است. درصورتی که چنین نشده است. فیلمساز در فیلم با کیست؟ با پیرمرد است. این منتقد در پایان گفت: «فروشنده» می‌خواهد در ایران به هر قیمتی بفروشد و سرکار بگذارد.

رویدادها

انتقاد امین حیایی در برنامه «هفت»

بعد از «قلاده‌های طلا» همکاران صمیمی‌ام مرا بایکوت کردند!

امین حیایی در برنامه «هفت» با بیان اینکه بعد از «قلاده‌های طلا» مرا در سینما بایکوت کردند، بیان داشت: حتی افرادی از میان همکاران بعضا صمیمی و نزدیک بوده‌اند که گفته‌اند اگر امین حیایی در پروژه‌ای باشد ما حاضر به حضور در آن نیستیم چون او محبوبیتش را از دست داده است! به گزارش «نسیم آنلاین»، این بازیگر مطرح سینما و تلویزیون افزود: چون «قلاده‌های طلا» فیلمی ضدسبز است و بسیاری دوست نداشتند من در چنین فیلمی بازی کنم. اصلا برایم جبهه‌بندی‌ها مهم نبوده و فقط بازی حرفه‌ای مهم بوده است. بازیگر فیلم «قلاده‌های طلا» با بیان اینکه فیلم «قلاده‌های طلا» واقعیت‌ها را به تصویر کشیده، گفت: حتی با وجود مخالفت برخی نهادهای کشور، من باخبرم این فیلم تایید رهبری را هم داشته است، اما آن زمان بسیاری فیلم را ندیده قضاوت کردند و فکر کردند به نفع‌شان نیست. حیایی در پاسخ به اینکه اگر «قلاده‌های طلا ۲» ساخته شود، باز هم در آن بازی خواهد کرد؟ عنوان داشت: الان در چنین شرایطی به‌خاطر تبعاتش دیگر حاضر به بازی در چنین فیلمی نیستم. به هر حال آدم از همکار خودش توقع چنین برخوردهایی را ندارد.

■■■

انتشار سرودهای انقلابی حمید سبزواری

رضا اسماعیلی از انتشار مجموعه ۲ جلدی «این بانگ آزادی» شامل سروده‌های منتشر نشده و سرودهای انقلابی سبزواری خبر داد. به گزارش تسنیم، رضا اسماعیلی، شاعر و منتقد ادبی با اشاره به انتشار مجموعه سروده‌های زنده‌یاد حمید سبزواری گفت: این اثر در ۲ جلد تدوین شده و قرار است با عنوان «این بانگ آزادی» منتشر شود. این مجموعه از ۲ بخش تشکیل شده است؛ بخش نخست شامل غزلیات و قصاید استاد است که در ۱۰۰۰ صفحه تدوین شده و بخش دوم نیز شامل سرودهای انقلابی سبزواری و دیگر قالب‌های شعری است. به گفته اسماعیلی، در جلد دوم «این بانگ آزادی» بخشی با عنوان «تازه‌ها» در نظر گرفته شده که شامل کارهای چاپ نشده و دست‌نوشته‌های استاد است که با همکاری محسن ممتحنی، فرزند ارشد وی، گردآوری شده است. اسماعیلی یادآور شد: قرار است این اثر از سوی انتشارات سیمرغ هنر، ناشر وابسته به بسیج هنرمندان، به چاپ برسد. «این بانگ آزادی» با همکاری حوزه هنری و بسیج هنرمندان روز ۲۷ شهریورماه، همزمان با روز شعر و ادب فارسی رونمایی می‌شود.

■■■

قصه همسر یک شهید در سریال «شکوه یک زندگی»

تولید مجموعه تلویزیونی «شکوه یک زندگی» به کارگردانی مرجان اشرفی‌زاده و تهیه‌کنندگی امیرعباس کنی در تلویزیون بررسی می‌شود. به گزارش مهر، سریال ۱۵ قسمتی «شکوه یک زندگی» به نویسندگی شعله شریعتی با موضوع همسران شهدا، قرار است پس از بررسی تلویزیون و تامین بودجه پاییز امسال کلید بخورد تا برای پخش در ایام فاطمیه آماده شود. فیلمنامه «شکوه یک زندگی» برداشتی آزاد از زندگی شکوفه ابراهیمی، همسر شهید اسماعیل یعقوبی است؛ کسی که در نبود همسرش بخوبی از ۷ کودک کوچک نگهداری کرده و آنها را به عرصه می‌رساند تا حدی که همه این فرزندان امروز بخشی از جامعه آکادمیک و دارای پست‌های خوب مدیریتی و کارشناسی هستند.

■■■

مجیدانتظامی:

فیش حقوقی پدرم منتشر شود خیلی‌ها شرمنده می‌شوند

مجید انتظامی در عیادت حجت‌الله ایوبی از پدرش عنوان کرد که اگر فیش حقوقی پدرم منتشر شود خیلی‌ها شرمنده می‌شوند. به گزارش مهر، ایوبی و هیات همراه به مناسبت روز ملی سینما ابتدا به دیدار خانواده زنده‌یاد رشیدی رفتند، سپس در منزل منیژه حکمت، محمدعلی کشاورز و عزت‌الله انتظامی حاضر شدند. انتظامی در این دیدار به نجابت هنرمندان اشاره کرد و یادآور شد: بسیاری از همکاران من این روزها در خانه نشسته‌اند در حالی که ملکی از خودشان ندارند و اجاره‌نشین هستند. من از مسؤولان این حوزه تقاضا می‌کنم به این افراد که خودشان هیچ وقت مشکلات‌شان را بیان نمی‌کنند، توجه کرده و آنها را شناسایی کنند.